

۱
دَرْزَنگ

درس گفتارهایی در
اندیشه یاری‌گری

خداوند امدادگر است

متن گفتار استاد قاسم جوادی
در نشست «امداد اخلاقی در قرآن کریم»



درنگ اول

خداوند امدادگراست

سلسله نشست‌های «امداد و اخلاق»
درس گفتار امداد اخلاقی در قرآن کریم



استاد قاسم جوادی

■ متولد:

۱۳۳۶ - ورامین

■ تحصیلات:

- سطح اجتهاد حوزه علمیه
(پایان نامه سطح سه: اندیشه‌های کلامی میرداماد
پایان نامه سطح چهار: تأثیر معتزله بر شیعه)

■ توضیحات:

قاسم جوادی از سال ۱۳۵۴ تا کنون به عنوان مدرس حوزه در زمینه‌های ادبیات، فقه، اصول، کلام، فِرَق تشیع و اهل سنت، فلسفه اسلامی، عرفان و تاریخ اسلام تدریس می‌کند. ده‌ها مقاله در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی از وی منتشر شده است.



جمیعت عظام احرار
جمهوری اسلامی ایران
حوزه نمایندگی ولی فقیه

هفدهم آذر هزار و سیصد و نود و هشت

« امداد و امدادگری »

دروجدان و ذات بشریت است.

انسان هم خُسن اش را درک می‌کند
و هم بی توجهی به آن را نکوهش می‌کند.

« نجات انسان بر تمام عبادات مقدم است. »

اگر در یک زمان، فردی به تونیز دارد و تونماز بخوانی گناه کرده‌ای؛
چون وظیفه‌ات نجات او بوده است.

« ... پس بیایید در نیکی‌ها مسابقه دهید »

کمترین خدمت‌رسانی به مردم در شرایط بد و بحرانی ارجح است بر
ده‌ها کار خیر دیگر که در شرایط عادی انجام می‌دهیم.

« ... (ای پیامبر) با اهل جدل »

با بهترین طریق مناظره کن»

منظور، همه‌ی مردم است؛ مسلمان و غیرمسلمان ندارد.
حتی اگر با مشرک هم بحث می‌کنی احسن باشد.

«... ما، هم به آنها امداد می‌رسانیم»

هم به این‌ها»

خداوند در این آیه تأکید کرده که به انسان و انسانیت کمک می‌کند.

«وقف برای غیرمسلمان»

واهل کتاب هم درست است

علامه طباطبایی: «در آیات عمومی که به بحث صدقه می‌پردازند،

صدقه شامل همه انسان‌هاست؛ با هر دین و مذهبی.»

«قصه حضرت یوسف»

داستان نجات یک جامعه است

داستان حضرت یوسف (ع) یکی از نمونه‌های تفصیلی قرآن

درباره‌ی امداد و امداد رسانی است.

«انسان‌ها برای خودشان کار می‌کنند یا برای دیگری؟»

همه موجودات برای خودشان کار می‌کنند.

استثناء هم ندارد؛ حتی خود الله تعالی.

مقدمه گفتار

قرآن شامل چند بخش کلی است که به نظر می‌رسد بسیاری از مسائل را برای ما روشن کرده‌اند. ارگان‌ها و گروه‌ها از جمله هلال احمر باید به این مسائل و رهنمودهای قرآن که درباره‌ی موضوع فعالیت‌شان است بیشتر توجه کنند. واژه‌ی «امداد» و مشتقات آن در آیات زیادی از قرآن استفاده شده است. در بخش بعدی سخنانم به این امدادها اشاره خواهم کرد که بیشتر آنها در سوره‌ی «یوسف» آمده است.

اما قبل از ورود به بحث می‌خواهم به دو نکته مهم به عنوان مقدمه اشاره کنم:

« ۱. وجدان بشر

امداد و امدادگری نیازی به آیه و روایت پیامبر و دیگر معصومین ندارد؛ در وجدان و ذات بشریت است. در درون کل انسان‌ها امداد و امدادگری نهفته است و همه‌ی آنها امداد و امدادگری را امری مثبت می‌دانند. اتفاقاً اگر در طول تاریخ، وحی‌ها با تحریف و روایات با جعل و وضع مواجه شدند، فطرت انسان‌ها دست‌نخورده ماند و انسان‌ها از درون می‌دانند که

امداد و امدادگری امری عالی است و نیازی به منبع و روایت ندارند. آقای طباطبایی مرتب در «المیزان» تکرار می‌کند: «دین باید مؤید فطرت باشد. زیرا مخاطب دین فطرت انسان‌هاست.»

از آنجا که مسئله‌ی امداد و نجات در فطرت انسان‌ها نهفته است هم حُسن‌اش را درک می‌کنند و هم عدم توجه به آن را نکوهش می‌کنند.

﴿ ۲. حق الناس و حق الله

اگر بین این دو تداخل پیش آمد چه باید کرد؟ خود الله تعالی فرموده: «همیشه حق الناس بر حق الله مقدم است.» لذا اگر شما دارید نماز می‌خوانید و کسی در خانه‌ی شما را زد که از شما طلب‌مند بود، می‌توانید نمازتان را بشکنید و طلب او را بدهید. اگر نمازتان دارد قضا می‌شود و می‌بینید که کسی دارد غرق می‌شود، نمازتان را نخوانید و او را نجات دهید. نجات انسان بر تمام عبادات ترجیح دارد. روایت است که امام صادق (ع) همراه با مردی در حال طواف بودند، مردی همراه امام را صدا زد. مرد توجه نکرد. در دور بعدی مرد باز هم او را صدا کرد. امام پرسید: «با تو کار دارد؟» مرد گفت: «بله.» امام فرمود: «چرا جواب او را نمی‌دهی؟» مرد گفت: «چون در طواف واجب هستم.» امام فرمود: «در طواف واجب هم که باشی باید حق مردم را بدهی.»

پس در حین نماز، نجات جان انسان‌های دیگر مقدم است. در حال طواف هم (ولو طواف واجب) دادن حق الناس واجب است. در حالی که کاری که آن مرد با همراه امام داشت واجب هم نبود و مطلقاً از جنس مسائلی که شما با آن سروکار دارید - مثل سیل، زلزله و آتش‌سوزی - هم نیست.

پس نتیجه می‌گیریم در تعارض این دو مسئله همیشه حق الناس بر عبادات مقدم است. و هیچ ثوابی نداریم که به پای این ثواب برسد. تا جایی که اگر در زمان نیاز یک فرد به تو، نماز بخوانی گناه کرده‌ای؛ چون وظیفه‌ات نجات او بوده است.

کدامین نیکی و نیکویی بهبتر از امداد رسانی است؟



در قرآن مجموعه آياتی درباره‌ی مسئله‌ی امداد وجود دارد که اتفاقاً بهترین بخش دین بوده‌اند. من به یکی دو مورد آنها اشاره می‌کنم ولی این مسئله بسیار بیشتر از این یکی دو آیه است. خداوند در آیه‌ی ۴۸ سوره‌ی مائده به بحث نزول قرآن و مسئولیت پیامبر پرداخته و در ادامه به چرایی ظهور ادیان متعدد اشاره می‌کند. در ادامه می‌فرماید: «لِيَبْلُوكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ» یعنی «امت‌ها را با دینی که به آنها داده‌ایم آزمایش می‌کنیم.» پس از آن می‌فرماید:

«فَأَسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» یعنی «پس بیایید در نیکی‌ها مسابقه دهید.»

مسیحی و یهودی و مسلمان فقط اسم هستند. هرکسی هم ادعا دارد که من خوبم و دیگری بد. قرآن می‌گوید شما باید در کارهای خیر با هم مسابقه بدهید. معمولاً موضوع مسابقه چیزی است که دو نفر در آن توافق داشته باشند. ممکن است یک مسیحی صد کلیسا بسازد، من هم صد مسجد. نه او مسجد را قبول دارد نه من کلیسا را. مسابقه را باید در کار خیری برگزار کنیم که هر دو قبول داریم. یکی به ۵۰۰۰ فقیر غذا بدهد دیگری به ۱۰۰۰۰ نفر. قرآن در این آیه بحث‌های اختلافی بین همه‌ی مذاهب را کنار می‌زند و از پیروان همه‌ی دین‌ها می‌خواهد در کار خیر با هم مسابقه بدهند، نه در ردیه‌نویسی بر دین همدیگر. و کدامین نیکی و نیکویی بهتر از امداد رسانی است؟

کمترین خدمت رسانی به مردم در شرایط بد و بحرانی ارجح است بر ده‌ها کار خیر دیگر که در شرایط عادی انجام می‌دهیم.

خداوند در آیه‌ی ۸۳ سوره بقره می‌فرماید: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» یعنی «با نیکی با مردم سخن بگویید». اشاره‌ای به کافر و غیرکافر نشده؛ با همه به نیکی سخن بگویید. بعضی‌ها وقتی دیدند قرآن در این آیه تکلیفی بر دوش ما گذاشته، گفتند این آیه نسخ شده! یعنی چه نسخ شده است؟!



یعنی خداوند یک روز فرمود با مردم به نیکی سخن بگویند و یک روز دیگر نعوذ بالله گفته‌ی خود را نقض کرد؟! خداوند در قرآن تأکید می‌کند در شرایط عادی و حتی با فردی که عصبانی است با نیکی سخن بگویند. در آیه‌ی ۴۶ سوره‌ی عنکبوت آمده: «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» یعنی «و شما مسلمانان با اهل کتاب (یهود و نصاری و مجوس) جز به نیکوترین طریق، بحث و مجادله نکنید».

همچنین در آیه‌ی ۱۲۵ سوره‌ی نحل آمده: «جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» یعنی «(ای پیامبر) با اهل جدل با بهترین طریق مناظره کن». در اینجا منظور همه‌ی مردم است؛ مسلمان و غیرمسلمان ندارد. حتی اگر با مشرک هم بحث می‌کنی احسن باشد. حالا امروز باید بگوییم جدل مسلمان با کافریا یهودی و مسیحی که هیچ، ای کاش جدال مسلمان با مسلمان احسن بود. در حالی که قرآن تصریح می‌کند که باید برخوردتان با اهل کتاب احسن باشد. یعنی اگر جمله‌ای می‌گویی به بهترین شکل آن بگو؛ بین حسن و احسن، احسن را انتخاب کن.



آیات امداد

در این بخش از صحبت‌ها می‌خواهم به آیه‌هایی با مضمون امداد و امدادگری بپردازم. امداد و مشتقات آن در ۳۰ آیه آمده است. بخشی از پیام امام خمینی برای روز کارگر در سال ۱۳۵۸ این بود: «حق تعالی مبدأ کارگری است و [خداوند خود] کارگر بوده.»
الله تعالی مبدأ امدادگری و امدادگر است. اتفاقاً آیاتی که به امدادگری اشاره کرده خیلی روشن‌تر از آیاتی هستند که به کارگری پرداخته‌اند. خداوند در آیه‌ی ۶ سوره‌ی اسراء می‌فرماید: «أَمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ» یعنی

«ما به کمک شما آمده‌ایم با مال و فرزندانمان».

در آیه‌ی ۲۲ سوره‌ی طور آمده است: «أَمَدَدْنَا هُمْ بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ»

یعنی «ما شما را با میوه‌ها و گوشت‌ها کمک و امداد رسانی کرده‌ایم».

در آیه‌ی ۱۲۵ سوره‌ی آل عمران می‌خوانیم: «يُمِدُّكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ

الْمَلَائِكَةِ» یعنی «در جنگ‌ها خداوند شما را با ۵۰۰۰ فرشته کمک می‌کند».

در آیه‌ی ۱۳۲ سوره‌ی شعرا آمده است: «وَأَتَقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ»

یعنی «بترسید از خدایی که می‌دانید چه کمک‌هایی به شما کرد».

خداوند

به انسان و انسانیت

کمک می‌کند



از بین این آیه‌ها آیه‌ی ۲۰ سوره‌ی اسراء قابل تأمل است: ابتدا در آیه‌ی ۱۸

این سوره می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ

نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلاهَا مَذْمُومًا مَّدْحُورًا» یعنی «عده‌ای طالب دنیا

هستند. ما هم برایشان آماده کردیم؛ حتی اگر سرانجام‌شان در آخرت دوزخ

باشد» در آیه‌ی ۱۹ ادامه می‌دهد: «وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ

مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا» یعنی «و هر که طالب حیات آخرت

باشد و برای آن به قدر لزوم و طاقت بکوشد، سعی چنین کسانی مقبول و

مأجور خواهد بود» تا می‌رسیم به آیه‌ی ۲۰: «كُلًّا نُمِدُّ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ

رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا» یعنی «ما هم به آنها امداد می‌رسانیم

هم به آنها» (چه آنهایی که برای دنیا زندگی می‌کنند چه آنها که برای

آخرت). خداوند در این آیات تأکید می‌کند که به انسان و انسانیت کمک

می‌کند.

در کتاب «شرح لمعه»، شهید ثانی در بحث وقف می‌گوید: «به چهار دلیل

وقف برای غیرمسلمانان و اهل کتاب (چه یهودی‌ها، چه مسیحی‌ها، چه



زرتشتیان و چه صابئین) درست است. دلیل اول این است که همه‌ی اینها مخلوقات خدا هستند و کمک کردن به مخلوقات خدا کار خوبی است. دلیل دوم اینکه شما باید به فقیر کمک کنید؛ هر که می‌خواهد باشد. علامه طباطبایی ذیل آیه‌ی ۲۷۲ سوره‌ی بقره نکته‌ای را بیان می‌کند: «در آیات عمومی که به بحث صدقه می‌پردازند، صدقه شامل کل انسان‌هاست؛ با هر دین و مذهبی.» در آیه‌ی ۶۰ سوره‌ی توبه آمده: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ» یعنی «**صدقه‌ها مال فقراست**».

دلیل سوم شهید ثانی این است: «قرآن (آیه‌ی ۷۰ سوره‌ی اسراء) فرموده: «لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» یعنی «همه انسان‌ها دارای کرامت هستند.» (قرآن برای انسان‌ها استثنائی قائل نشده، این ما هستیم که استثناء می‌سازیم). به لحاظ اینکه انسانیت دارای کرامت و بزرگواری است، باید به آنها خدمت کنیم. دلیل چهارم این است که اگر شما به انسانی کمک کنید شاید در نسل‌های این افراد، مسلمانی هم پیدا شود.»

خداوند در آیه‌ی ۴ سوره‌ی ماعون می‌فرماید: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ» یعنی «وای بر نمازگزاران»، آیه‌ی ۵: «الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» یعنی «نمازشان نماز نیست». آیه‌ی ۶: «الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ» یعنی «نمازشان برای ریا کردن است». و آیه‌ی ۷: «وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ» یعنی «**ابزار و وسایلی را که مردم نیاز دارند در اختیارشان قرار نمی‌دهند**».

این بهترین شکل امداد رسانی است؛

به خصوص نیازهای مردم در شرایط سخت.

قصه حضرت یوسف داستان نجات یک جامعه است



یکی از نمونه‌های تفصیلی قرآن درباره‌ی امداد و امداد رسانی داستان حضرت یوسف (ع) است. به نظر احسن القصص که قرآن گفته یا به همه داستان‌ها اشاره دارد یا همین داستان حضرت یوسف. این داستان از جهات مختلف جای تأمل دارد. **در این داستان سرزنش نزدیک صفر است.** کسی، کسی را سرزنش نمی‌کند. (فقط دریک جا حضرت یوسف می‌پرسد: «با یوسف چه کردید؟») مهم‌تر از این حضرت یعقوب (ع) است. فرزنداناش این همه اذیتش کردند، اما هیچ‌کدام‌شان را طرد نکرد. بچه‌ها به پدرشان یعقوب می‌گویند: «يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا» یعنی «پدر از طرف ما استغفار کن.» یعقوب پاسخ داد: «سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ» یعنی «برای شما استغفار خواهم کرد.» با صبر و تحمل یعقوب داستان پایان خوشی داشت. یوسف می‌خواهد برای این حکومت کار کند. برای این امر باید ذهن حاکم را تطهیر کند؛ پس در این مورد، زلیخا همه‌ی تقصیرها را به عهده گرفت. طبق گزارش قرآن جامعه‌ای که حضرت یوسف در آن زندگی می‌کند، جامعه‌ی مشرکی است؛ هم حاکم‌اش هم مردم‌اش. یوسف پیامبر خطاب به چنین حاکمی می‌فرماید: «اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ فَإِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْكُمْ» (آیه ۵۵ سوره‌ی یوسف) یعنی «**مرا به خزانه‌داری مملکت منصوب دار که من در حفظ دارایی و مصارف آن دانا و بصیرم.**»

از امام رضا (ع) پرسیدند: «چرا ولایت‌عهدی مأمون را پذیرفتی؟» حضرت فرمود: «نبی بالاتراست یا وصی؟ اجبار بدتر است یا اختیار؟ کفر بدتر است یا اصلاح؟» به هر روی، جامعه‌ی کفر بود و یوسف، پیامبر و خودش انتخاب کرد. اونبی بود بالاتراز وصی. **جامعه جامعه‌ی کفر بود و یوسف وعده داد که مشکلاتشان را حل می‌کند. و این کار را کرد. به آنها نصیحت کرد که چطور دوران مشکلات و سختی را پشت سر بگذارند.**



در انتهای این آیه حضرت تأکید کرده: «إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْكُمْ» و کاملاً از اموال این جامعه نگهداری می‌کند. لذا اساساً امانت‌داری ربطی به مسلمان یا غیرمسلمان بودن ندارد. امانت‌داری یک ویژگی و خصیصه‌ی انسانی است. صداقت هم یک ویژگی انسانی است.

دو نکته در سخنان پیامبر اسلام (ص) است که می‌شود گفت رسالت او این دو موضوع بوده. یکی اینکه فرموده: «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلَحُوا» یعنی **«بگویند: لا اله الا الله [تا] رستگار شوید»**. و جایی دیگر فرموده: «بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» یعنی **«من برای به کمال رساندن مکارم اخلاق مبعوث شده‌ام.»** (من البدو الی یومنا هذا: از آغاز تا امروز). پیامبر از مکارم اخلاق سخن می‌گوید و می‌خواهد والاترین اخلاق را به اوج خود برساند. پیامبر (ص) با دختر حاتم طائی مواجه می‌شود. دختر از سخاوت مندی پدرش برای او می‌گوید. پیامبر می‌فرماید: «من هم برای همین کارها آمده‌ام.» گرچه برخی مسلمانان به پیامبر اعتراض می‌کنند که چرا این حرف‌ها را می‌زند.

در پایان از همه‌ی شما استدعا دارم که قرآن را در هر شرایطی بخوانید؛ نه فقط در ماه رمضان، نه حتی لزوماً روبه قبله و با وضو.

■ السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

پرسش و پاسخ

« در مسئله‌ی امداد، «من» مسئله است یا «دیگری»؟ یعنی من امداد می‌کنم بدون اینکه به خودم توجه کنم و قصدم فقط کمک به دیگری است؟ مثلاً در داستان حضرت یوسف، به حاکم کمک می‌کند که مردم را نجات دهد؟

« جوادی: این بحث، بحث مفصلی است در حوزه‌ی اخلاقی؛ انسان‌ها برای خودشان کار می‌کنند یا برای دیگری؟ کل موجودات برای خودشان کار می‌کنند. استثناء هم ندارد؛ حتی خود الله تعالی. همگی مخلوق او هستیم. هیچ‌کس در این عالم مخلوق خدای دیگری نیست. اینکه خداوند بی‌نیاز مطلق است یک بحث است ولی به چه کسی خدمت می‌کند؟ به چه کسی امداد می‌رساند؟ به آنکه خلق کرده امداد می‌رساند. جهان چیزی نیست جز خداوند و افعال او. هیچ نبی و ولی و وصی‌ای هم برای غیر کار نمی‌کند. لذا خطاب قرآن به پیامبر این است: «اگر شرک بورزی، همه‌ی اعمالت نابود خواهد شد.» تمام وظایف پیامبر به دلیل جایگاهی است که دارد. برای این جایگاه این کارها را انجام می‌دهد. امام علی (ع) هم همین‌طور.

مثلاً کسی که درس می‌خواند، زحمت می‌کشد و تا مقاطع عالی دانشگاهی می‌رسد، برای خودش درس خوانده. لذا کسی را که در مراحل ابتدایی درسش را رها کرده نکوهش می‌کنند. اساساً کسی که دارد تلاش می‌کند برای خودش کار می‌کند؛ منتها یک خود پست داریم و یک خود بالاتر. یک نفر برای خود پنج کلاس درس می‌خواند و دیگری بعد از گرفتن دکترا باز هم برای خود مطالعه می‌کند. اولی هدف کوچک و ناچیزی داشت و دیگری می‌خواست به خدا برسد ولی به هر حال این هدف بزرگ را برای خودش می‌خواست. پس ارزش‌ها را هدف‌ها تعیین می‌کنند. ولی در عین حال همه برای خودشان کار می‌کنند.

تصور کنید یک نفر در حال جان دادن است و دو نفر شاهد این واقعه. یکی از آنها اهمیتی نمی‌دهد و دیگری از درون ناراحت و آشفته است، به همین دلیل به کمک آن فرد می‌رود. او این کار را برای رفع ناراحتی خودش می‌کند. و وقتی این کار خوب را انجام می‌دهد احساس می‌کند یک ارزش اخلاقی به دست آورده است. یک نفر مشکلات یک خانواده را حل می‌کند و دیگری برای ۱۰۰۰ نفر. این دو نفر از نظر احساسات درونی با هم فرق دارند. گاهی کار خوبی که انجام می‌دهند پاداش مالی هم دارد ولی اگر نداشته باشد هم کارها را برای خودش انجام می‌دهند. به هر روی همت‌های بلند ستایش می‌شوند و هدف‌های پست، نکوهش. تمجیدها و تعریف‌ها همیشه برای همت‌های بلند است.

﴿ تصور من این است که قرآن همیشه و همه جا مردم را به امداد دعوت نکرده است؛ برای مثال ماجرای حضرت نوح (ع) و سیل که مردمش را برد یا دعاهای هشت شبانه روز حضرت لوط. نظر شما چیست؟

﴿ جوادی: اشاراتی که کردید بیشتر داستان‌های قرآن هستند تا نصایح خود قرآن. در آیه‌ی ۲۶ سوره‌ی نوح، نوح می‌فرماید: «رَبِّ لَا تَذَرْ

عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا» یعنی «پروردگارا از این کافران دنیاری بر روی زمین باقی مگذار.» چرا؟ «إِنَّكَ إِنْ تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا» یعنی «اگر از آنها هرکه را باقی بگذاری بندگان (پاک با ایمان) تورا گمراه می‌کنند و فرزندی هم جز بدکار و کافراز آنان به ظهور نمی‌رسد.» به این دودلیل علیه‌شان دعا می‌کند. از طرف دیگر بعد از ۹۵۰ سال به این نقطه می‌رسد. نکته‌ی دیگر اینکه حضرت نوح (ص) هیچ‌وقت نگفت به کشتی ما سوار نشوید. آنها خودشان نوح را مسخره می‌کردند و نیامدند. به این بخش از آیه دقت کنید: «لَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا» این جامعه‌ی محدود به جایی رسیده که همگی فاسد و ناسپاس شده‌اند. منظور آیه همه‌ی مومنین نیست؛ قوم نوح قوم ناسپاسی هستند. اما نوح نزدیک هزار سال صبر کرد. به همین خاطریکی از پیروان نوح (ع) ابراهیم (ع) بود. در مورد روایت لوط، لوط دعا نمی‌کند. وقتی آن دو فرشته بر حضرت ابراهیم نازل می‌شوند و به او می‌گویند که قصد دارند قوم لوط را نابود کنند، او مخالفت می‌کند. در داستان حضرت یونس (ع) او برای نابودی قومش دعا کرد و آنها را ترک کرد. در واقع عمل یونس موجب ناخشنودی خداوند شد. خداوند در آیه‌ی ۴۸ سوره‌ی قلم خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید: «وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ» یعنی «مانند حضرت یونس نباش.» (یونس آدم صابری نبود) «روایت است زمانی که یونس از شکم ماهی بیرون آمد، دوسه روزی در ساحلی ماند. در این مدت زیر سایه‌ی بوته‌ای بود که آن هم آفت زد و خشک شد. یونس ناراحت شد و به خدا شکایت کرد. خدا در پاسخ گفت: «تو که از خشک شدن یک بوته ناراحت شدی چطور دعا کردی که من قومت را نابود کنم؟»



زمان اندیشه‌ورزی است درنگ کنیم و نیک بنگریم ...

امداد و یاری‌گری قبل از هر اقدامی به تفکر و تأمل نیاز دارد. **چیستی، چرایی و چگونگی** آنچه در میدان عمل برای کمک به نوع بشر انجام داده‌ایم یا می‌خواهیم انجام دهیم پرسش‌های مهمی هستند که باید با دقت به آنها بیاندیشیم. درنگ در مسائل انسان، نیازها و رفتارهای او و نیک نگریستن به آنچه در قالب خدمات داوطلبانه بشردوستانه مشغول آن هستیم مسیر تحقق اندیشه‌ورزی در باب یاری‌گری است برای رسیدن به پاسخ این چیستی‌ها، چراها و چگونگی‌ها. امروز بیش از پیش ضرورت اندیشه‌ورزی نمایان شده است. انسان، به عنوان موضوع و مخاطب فعالیت‌های هلال احمری موجودی است پیچیده و حوزه علوم انسانی با زیرشاخه‌های متنوع‌اش دانش مطالعه این پیچیدگی‌های انسانی در بافت جامعه است. معاونت فرهنگی حوزه نمایندگی ولی فقیه پس از مطالعه و بررسی روندهای جاری جمعیت، **ژرف‌اندیشی انسان‌شناسانه از دریچه علوم انسانی** را یکی از مسائل مهم امروز جمعیت می‌داند که کمتر به آن توجه شده است. برگزاری نشست‌های علمی-تخصصی، گام نخست است که برای تحقق این هدف به همت همکاران جمعیت و مشارکت اندیشمندان حوزه‌های مختلف برداشته شده است. مجموعه درنگ، متن سخنرانی‌های این نشست‌ها در قالب درس‌گفتار است.



برای دسترسی به
فایل صوتی
فیلم و عکس‌های
این نشست،
رمز تصویری
را با موبایل تان
اسکن کنید.



جمعیت هلال احمر
جمهوری اسلامی ایران
حوزه نمایندگی ولی فقیه